

سمیه ذبیحی، بانوی قالی باف محله وکیل آباد، نگاه صنعتی بیش از حد به هنر قالی بافی را یک معضل بزرگ دانسته و می گوید: «من از روز اول به دلیل عشق به فرش بافی وارد این کار شده‌ام و الان هم این کار را ادامه می‌دهم، ولی بعضی‌ها این کار را به چشم تجارت می‌بینند و به همین دلیل خیلی روی ظرافت کار و کیفیت زمان نمی‌گذارند. من

به عنوان کسی که در این کار هستم همواره تلاش کرده‌ام کاری را قبول کنم که ظرافت و مشتری خودش را داشته باشد. وقتی کار ظریف‌تر می‌شود قیمتش هم بیشتر می‌شود بنابراین وقت بیشتری می‌گذارم و توصیه من این است که همکارانم در این حوزه ظرافت را بر زمان اولویت قرار دهند.»

کیل آباد به دار قالی گره خورده است

شگاه قالی بافی بود

معرفی خواهیم کرد، رقیه و سمیه ذبیحی، دو خواهری هستند که در محله وکیل آباد زندگی می‌کنند. رقیه ۵۵ ساله از سمیه بزرگ‌تر است، اما هر دو آن‌ها از ۷ سالگی یاد گرفته‌اند که چطور به دار سفید و بلند قالی گره بزنند و در بافت قالی‌های دو روی ابریشم، طرح بته جقه، طرح خراسانی و اسلیمی استاد تمام عیاری شده‌اند. این دو خواهر وکیل آبادی می‌گویند هر گرهی که می‌زنند پر از احساس و عشق است به امید اینکه قالی‌شان زیر پای آدم‌های مهربان باشد و هر بار که به قالی می‌نگرند آن‌ها را یاد کنند.

سمیه بی‌رنگ بوده‌اند. روند تبدیل گردانی یک فیلم نیست! در این نقش خود در این قصه باید چه کار طراحی صحنه و چهره‌پردازی نان؛ «از نظر ما، بافنده هر فرش ما می‌کند؛ همان عامل اصلی که با رنگ واقعیت می‌بخشد.» در این فرش‌های دستباف را به شما

نفر در پشت دار قالی قرار می‌گیرد و تمام نقش‌ها و تار و پود قالی را یک نفره می‌بافد، این روش بیشتر برای قالیچه‌های کوچک و یا در اصطلاح تابلو فرش‌ها استفاده می‌شود و به طور معمول یکدستی و هماهنگی آن بیشتر از قالی چند نفره است و البته احتیاج به نقشه خوانی ندارد چون هنرمند قالی باف همه نقشه‌ها را در ذهن خود دارد و بر همین اساس بافت قالی پیش می‌رود.

● پایان عمر ۳۰ ساله کارگاه پدری

رقیه ذبیحی چندسالی است که ازدواج کرده و حالا کارگاه قالی بافی مستقلی دارد و در کنار مراقبت از فرزند کوچکش، پای دار قالی نشسته و قالی و فرش‌های زیبایی نیز می‌بافد. بعد از ازدواج دخترها، کارگاه قالی بافی خانه پدر هر بار کوچک‌تر می‌شود تا اینکه سرانجام بعد از گذشت ۳۰ سال تعطیل شد.

تزیینات طرح و همچنین اشکال تقلیدی به کار رفته و حتی با توجه به نوع تقسیم‌بندی متن فرش و جای گیری اشکال و تصاویر در آن‌ها دسته‌بندی شده‌اند.

این‌ها را ذبیحی می‌گوید و ادامه می‌دهد: بافت قالی از گذشته‌های دور به دوروش انجام می‌شده است، روش اول به صورت بافت چند نفره است، در این روش چند هنرمند قالی باف بر روی دار قالی می‌نشینند و قالی را می‌بافند. یک نفر که مهارت یا سابقه بیشتری دارد، کار نقشه خوانی را انجام می‌دهد و رجه‌ها، رنگ‌ها و نوع تار و پود را بلند می‌خواند و بقیه بر اساس همین خوانش، قالی را می‌بافند. امکان اشتباه و بافت غلط در این روش بیشتر است، گاهی اوقات تازه بعد از بافتن چند رجه، اشتباه مشخص می‌شود و قالی بافان مجبور می‌شوند تمام تار و پود را به هم بزنند و دوباره ببافند. دیگر روش بافت سنتی قالی، بافت یک نفره است در این روش یک



سمیه ذبیحی ادامه می‌دهد: امروز صادرات فرش ایران با مخاطره روبه‌رو شده است چراکه برخی کشورها همانند ترکیه، چین و هند گوی سبقت را در این رشته هنری از ما ربوده‌اند، روزگاری تاجران روسی در همین روستای دولت آباد حاضر می‌شدند و فرش‌های دستباف را به سبب مرغوبیت با قیمت مناسبی می‌خریدند و به عنوان تحفه به سرزمین تزارها می‌بردند، اما امروز واسطه‌ها و دلالان این کار را انجام می‌دهند و سود اصلی به جیب آن‌ها می‌رود. مشکل بعدی بیمه قالی بافان است، بیمه هر قالی باف بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان هزینه دربردارد و تولیدکنندگان پول کافی برای بیمه بافندگان ندارند. اهمیت بحث بیمه قالی بافان در این است که باعث می‌شود بافنده با اتکا به پوشش بیمه کاملی که دارد فقط به کار بافندگی بپردازد و این کار را شغل اصلی خود قرار دهد، در صورتی که اکنون بسیاری از بافندگان برای برخورداری از بیمه به ناچار شغل دیگری را هم در کنار بافندگی ادامه می‌دهند و این طبیعتاً از میزان بازدهی آن‌ها تا حد زیادی می‌کاهد. از طرفی حرفه قالی بافی یک شغل بسیار سخت است و کم‌درد، مشکلات بینایی، بیماری‌های عضلانی و بیماری‌های حاد تنفسی فقط بخشی از امراضی است که بعد از ۲۰ سال کار مداوم به سراغ قالی بافان می‌آید، در نتیجه مشکل بیمه ما باید حل شود و هم اینکه به عنوان مشاغل سخت طبقه‌بندی شود.

● طرح حمایتی کمیته امداد کمرنگ شده است

کمیته امداد امام خمینی (ره) در طول سال‌های اخیر سعی کرده است حامی صنعت قالی بافی به ویژه در روستاها باشد. توسعه بازار فرش دستباف از طریق شرکت‌های وابسته به کمیته امداد با خرید تضمینی فرش، جان تازه‌ای به این بازار از رونق افتاده خواهد داد.

سمیه ذبیحی در این باره توضیح می‌دهد: آموزش، شناسنامه‌دار کردن، تأمین مواد اولیه، تضمین فروش و پشتیبانی با حمایت شرکت‌های وابسته به کمیته امداد از جمله اهدافی است که برای رونق صنعت قالی بافی انجام شده است.

کمیته امداد نخ، پشم، کرک و دیگر لوازم قالی بافی را در اختیار ما قرار می‌داد و از ما می‌خواست که قالی بافته شده را به آن‌ها بفروشیم. بعد از آن نیز کارمند کمیته امداد، هزینه پشم و نخ را کم می‌کرد و بعد از فروش فرش بافته شده، مابقی پول را به فرد بافنده تحویل می‌داد، این طرح بسیار سازنده و کارساز بود، چون حتی خود ما که توانایی پرداخت هزینه‌های فرش را داشتیم برای فروش فرش با مشکل روبه‌رو می‌شدیم و سرانجام نیز از روی ناچاری مجبور بودیم فرش را به قیمت ارزان به واسطه‌ها و دلال‌ها بفروشیم. ما از این طرح حمایتی کمیته امداد در روستای خودمان استقبال کردیم و با برپایی دارهای قالی بیشتر و آموزش به افراد تازه کار و جوان، رونق در هنر فرش بافی روستا به وجود آمد و به تدریج وضعیت اقتصادی خانواده‌ها بهبود پیدا کرد. هنرمندان قالی باف روستایی برای مدت ۱۲ سال تحت حمایت این طرح کمیته امداد امام خمینی (قدس) دغدغه هزینه تولید مواد اولیه و بازار فروش را نداشتند، اما متأسفانه مدتی است که این طرح حمایتی کمرنگ شده است و هنرمندان قالی باف بسیاری بافندگی را که شغلی سخت و کم‌درآمد است کنار گذاشته‌اند.

رقیه می‌گوید: با وجود دشواری و سختی کار قالی بافی من و خواهرانم به دلیل علاقه و عشق به این هنر اصیل ایرانی، بعد از ازدواج با کمک پدر یک دار قالی در خانه خودمان برپا کردیم و قالی بافی را ادامه دادیم. هر دوسه سال یکی از ما از خواهرها ازدواج می‌کردیم و کارگاه خانه پدری کوچک و کوچک‌تر می‌شد، پدر هم که دیگر سن و سالش بالا رفته و توان جسمی و چشم نشستن پای دار قالی را نداشت، از مدتی قبل دار قالی را جمع کرد و حالا خودش را با حرفه دامداری سرگرم می‌کند. با وجودی که حالا بعد از گذشت ۳۰ سال دیگر کارگاه قالی بافی خانه پدری ما تعطیل شده است، رونق و حضور این هنر هنوز در خانواده ما وجود دارد و حالا به جای یک کارگاه قالی بافی، چهار کارگاه مستقل در خانه ما چهارتا خواهر وجود دارد. خوشبختانه همسر من نیز با این کار مخالفتی ندارد و می‌داند که حفظ هنر فرش بافی به عنوان یک هنر اصیل ایرانی اهمیت دارد.

● من به شما دخترها افتخار می‌کنم

ذبیحی کارهای روزمره‌اش را چنین ردیف می‌کند: هر روز صبح بعد از تهیه صبحانه و انجام کارهای رایج خانه، پای دار قالی می‌نشینم و به یاد روزهای خوب گذشته قالی بافی می‌کنم. البته این کار زمان و مدت مشخصی ندارد و گاهی تمام روز و گاهی نیز ۳ تا ۴ ساعت را پای دار قالی می‌نشینم، نشستن تنهایی پای دار قالی سخت است و حوصله آدم سر می‌رود. البته من همیشه تنها نیستم و گاهی اوقات یکی از خواهرهایم به خانه ما می‌آید و ما دو نفری یا حتی چهار نفری به یاد ایام خوش گذشته شروع به بافت قالی می‌کنیم، بعضی وقت‌ها نیز پدرمان به خانه‌مان می‌آید، با دیدن دار قالی در خانه دخترهایش، احساس غرور می‌کند و با خنده و شوخی می‌گوید: «چه کسی می‌گوید دختر نمی‌تواند زنده‌کننده نام و یاد پدر باشد، کدام پسر و برادر می‌توانست این شغل را بیاموزد و زنده نگه دارد، من به شما دخترها افتخار می‌کنم.» بعد از آن نیز با وجودی که دیگر چشم و بازوی گذشته را ندارد، شانه قالی بافی را به دست می‌گیرد و شروع به بافتن قالی می‌کند.

● فرش دستباف، متری ۱۰۰ میلیون تومان!

سمیه ذبیحی یکی دیگر از چهار خواهر قالیباف خانواده هنرمند ذبیحی است که از کودکی پای دار قالی بزرگ شده است. او متولد سال ۱۳۶۴ در روستای دولت آباد است و به نوعی ته‌تغاری خانواده محسوب می‌شود. سمیه نیز همانند رقیه دست پرورده پدر است و قالی بافی را به طور تمام و کمال از او به ارث برده است. سمیه ذبیحی نیز بعد از ازدواج کارگاه کوچکی در خانه‌اش برای خود به راه انداخته است. او به مشکلات قشر قالیباف در سال‌های اخیر اشاره می‌کند: اولین مشکل تولیدکنندگان، تأمین مواد اولیه است؛ در حالی که می‌توانند با اندکی سرمایه‌گذاری در داخل کشور راحت‌تر و ارزان‌تر تهیه کنند ناچارند آن را با قیمت بسیار گرانی از خارج از کشور تأمین کنند. در این چندسال اخیر قیمت تمام شده فرش دستباف مرغوب ایرانی به واسطه افزایش قیمت مواد اولیه به شدت زیاد شده است به طوری که برخی فرش‌های هنری از متری ۵ تا متری ۱۰۰ میلیون تومان و حتی بیشتر قیمت‌گذاری می‌شوند. از طرفی برخی بافندگان بابت کاهش هزینه‌های جاری، از مواد اولیه نامرغوب در صنعت فرش بافی استفاده می‌کنند که این موضوع هم به نوعی به صنعت فرش ایران آسیب زده است.

